

«سبکی» حس جاری در مر

ملیکا نصیری - «سبکی» نام نمایشی به کارگردانی داریوش علیزاده است که پس از چند اجرای موفق این روزها در پردیس تئاتر شهرزاد به روی صحنه می‌رود. این نمایش روایتگر زندگی یک پدر است که زندگینامه‌اش را بر سرش روایت می‌کند و بانگهای گم‌شده به مفوله مهم مرگ پرداخته است. محمدرضا محمدیور، کیوان احمدی، مرتضی مرادی، دینا هاشمی و علی غفاری فهرست بازیگران این نمایش را که با استقبال خوبی از جانب مخاطبان روبه‌رو شده تشکیل می‌دهند. به بهانه اجرای این شب‌های نمایش سبکی داریوش علیزاده، کارگردان و مرتضی مرادی بازیگر نقش نوه پاروژ نامه صبا گفت‌وگو کرده‌اند.

داریوش علیزاده:

می‌خواستیم پدرم به دیدن نمایش بیاید

داریوش علیزاده، که نویسنده و کارگردان نمایش‌هایی چون «لیگ قهرمانان»، «مرحله گروهی»، «لرز»، «...» است، این روزها نمایش سبکی را به صحنه برده است و در گفت‌وگو با روزنامه صبا از ایده شکل‌گیری این نمایش و آرزوی تماشای کارش توسط پدر و توضیحاتی رالته داده است.

آقای علیزاده ادر ابتدا دوست دارم در باره نام نمایش سوال بپرسم. «سبکی» می‌تواند اسمی خاص برای یک اجرا به‌شمار بیاید. در اجرا نیز چندین بار نام نمایش در میان دیالوگ‌های بازیگران تکرار می‌شود. دلیل انتخاب این نام برای نمایشنامه‌تان چه بود؟

نمایش «سبکی» قصه زندگی یک پدر را از زبان پسرش روایت می‌کند و مخاطب از لحظه به لحظه به دنیا آمدن پدر تا لحظه از دنیا رفتنش با قصه همراه می‌شود و فرار از وفرودهای زندگی پدر را مشاهده می‌کند. باید بگویم که «سبکی» حس است که در تمام طول اجرا جریان دارد و به نظر من این احساس جدا از بازیگران به مخاطبان نیز منتقل می‌شود. هدف اجرای این نمایش بازگویی و یادآوری مفهوم سبک شدن و سبک گرفتن زندگی است. چون مرتهایت باید بدانیم که نقطه پایان مسیر زندگی همه ما رفتن است.

صحنه در نمایش شما به مینی‌مال‌ترین حالت ممکن است. اما با این حال مخاطب غرق در داستان می‌شود و به نظر می‌رسد که همین صحنه، دکور و نور ساده به القای مفهوم کار به مخاطب کمک بیشتری می‌کند. چه شد که به سمت اجرا در صحنه‌ای مینی‌مال سوق پیدا کردید؟

باید بگویم که در قسمت نور و صحنه طراحی خاصی صورت نگرفت و بیشتر تلاش ما برای خلق اثری خوب، در قسمت نگارش نمایشنامه و نوع بازی بازیگران بوده است. این عدم پرداخت بیش از اندازه به نور و صحنه نیز به دلیل نزدیک شدن به حس سبکی جاری در دل متن بود. در این نمایش یک نور عمومی وجود دارد و بازیگران با هنر بازیگری خود صحنه‌ها را به صورتی باورپذیر عوض می‌کنند.

کار شما در شهرهایی چون کرج و کاشان به روی صحنه رفته است و مدتی نیز در تهران در تماشخانه دیگری اجرا می‌رفت. پس از اجراهای مکرر چه شد که تصمیم به اجرای دوباره نمایش گرفتید و دلیل انتخاب پردیس تئاتر شهرزاد برای اجرای نمایش‌تان چه بود؟

سال ۹۷ بود که تمرین ما برای روی صحنه بردن این نمایش شروع شد. مدتی در شهر کرج اجرا رفتیم که خوشبختانه از جانب مخاطبان کرجی، کار با اقبال روبه‌رو شد. سپس در شهر کاشان نیز «سبکی» به روی صحنه رفت تا به تهران و اجراء در سالن انتظامی رسیدیم. بعد از به پایان رسیدن اجراء و دریافت بازخوردهای مثبت از سوی مخاطبان نمایش تصمیم گرفتیم که کار را دوباره به روی صحنه ببریم. از آنجایی که در سالن‌های دولتی یک نمایش اجازه ندارد که دوباره به روی صحنه برود با پردیس تئاتر شهرزاد که سالنی خصوصی است برای اجراء به توافق رسیدیم. اعتقاد من این است که اگر نمایش خوب و قوی باشد چه در سالن خصوصی و چه در سالن دولتی مخاطبان خاص خودش را خواهد داشت. تفاوت سالن خصوصی با سالن دولتی تنها در بحث مالی آن برای تهیه‌کننده نمایش است. از آنجایی که کارمانمایش پر هزینه‌ای



این است که قصه‌هایی را روایت کنیم که با مخاطب صادق باشد. محوریت موضوعی در نمایش «سبکی» شخص پدر است. هنگام نوشتن این کار چه قدر از پدر خودتان و زیست او الهام می‌گرفتید. هسته مرکزی ایده «سبکی» از کجابه ذهن‌تان آمد؟

من در طول دوران کار حرفه‌ای خود، نمایش‌های مختلفی را به صحنه بردم. اما متأسفانه پدرم نتوانست به تماشای هیچ کدام از آن‌ها نشیند. باید بگویم که بعد از مبتلا شدن پدرم به یک مریضی سخت، تصمیم به نگارش یک نمایشنامه با محوریت موضوع پدر گرفتم. به این امید که وقتی کار به روی صحنه می‌رود، پدرم را برای تماشای تئاتر دعوت کنیم. اما متأسفانه هر چه کار جلوتر می‌رفت و خلعت حال پدر نیز بیشتر می‌شد تا در نهایت او را از دست دادم و دیگر نتوانست به تماشای کار من بنشیند. اما به دلیل نیتی که به هنگام نگارش نمایشنامه داشتیم، این کار برای من عزیز است و تا هر زمانی که مخاطب داشته باشد دوست دارم که آن را اجرا بپریم.

هنگام کار برای اجراء بردن این نمایش با چالش یا معضل خاصی هم روبه‌رو بودید؟

خوشبختانه از روزی که کار نگارش نمایشنامه را آغاز کردم تا به امروز با هیچ چالش عجیبی روبه‌رو نشدیم و همه چیز در متعادل‌ترین وضعیت خود پیش رفت. نوشتن متن حدود دو تا سه

نیست، عمده هزینه‌ها مربوط به سالن می‌شود. اما از آنجایی که من در ناخودآگاه خود لطمینان داشتیم که کار در اجراء موفق خواهد شد، نمایش را در سالن خصوصی نیز به روی صحنه بردم.

موضوعی که در باره کارگردانی شما توجه من را جلب کرده است به صحنه بردن نمایشنامه‌هایی است که خودتان نگارنده آن‌ها هستید. برای شما این موضوع که متن را احتمالاً خودتان بنویسید اهمیت دارد یا مایل به کارگردانی متن‌های دیگران نیز هستید؟ ایده شکل‌گیری نمایشنامه‌هایتان بر آمده از دغدغه‌های شخصی خود شما است؟

ایده نمایشنامه‌ها گاهی برآمده از زیست شخصی نگارنده هستند و گاهی شنیدن یک داستان، اتفاق یا تصادف منجر به نوشتن متن می‌شود. من ذهنم را جوری تربیت کرده‌ام که قابلیت ایده‌پردازی داشته باشد. بیشتر سعی کرده بودم که نمایشنامه‌هایی را به روی صحنه ببرم که خودم نویسنده‌شان نیستم اما انگار این ماجرا در توانم نیست. به همین دلیل متن نمایش‌هایی را خودم می‌نویسم. در تئاتر نیز هدف مشخصی ندارم که برای مثال به یک نقطه خاص برسیم. هدف من این است که هر روز در کار خودم بهتر شوم و پیشرفت کنم و قصه بگویم. من قصه گفتن را بسیار دوست دارم و حس می‌کنم که علاقه و ترجیح هم